## 232749 ـ امانت در اسلام

### سوال

امانت چیست؟ و مجازات کسی که به آن خیانت کند چیست؟ و چنین کسی چگونه باید توبه کند؟ و ادلۀ همۀ این‌ها از کتاب و سنت چیست؟

### پاسخ مفصل

الحمدلله.

امانت در شرع دو معنا دارد؛ یک معنای عام و یک معنای خاص.

معنای عام: این است که تمام اوامر و نواهی شرع را در بر می‌گیرد.

از جمله دلایلی که بر این مطلب گواهی می‌دهد، این سخن الله تعالی است که می‌فرماید:

إِنَّ عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا [احزاب: ۷۲] (ما امانت [تکالیف و طاعت] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن هراسیدند، و انسان آن را بر دوش کشید؛ بی‌گمان او بسیار ستمپیشه و نادان بود).

ابن‌کثیر رحمه الله تعالی مجموعه‌ای از اقوال علمای سلف را در تفسیر واژۀ «امانت» آورده و سپس گفته است:

«میان تمام این اقوال هیچ منافاتی نیست، بلکه آن‌ها با هم سازگارند و به این بازمی‌گردند که امانت همان تکالیف، و پذیرش اوامر و نواهی با شرط آن است؛ و شرطش این است که اگر به آن عمل کند پاداش می‌یابد و اگر آن را رها کند مجازات می‌شود. پس انسان با وجود ناتوانی، نادانی و ستمپیشگی‌اش آن را پذیرفت، مگر کسی که الله او را توفیق داده باشد؛ و از الله یاری جسته می‌شود». (تفسیر ابن کثیر: ۶/۴۸۹).

این همان معنایی است که ابن‌جریر طبری رحمه الله تعالی برگزیده است؛ چنان‌که می‌گوید:

«شایسته‌ترین و درست‌ترین اقوال در این باره، سخن کسانی است که گفته‌اند: مقصود از امانت در این جایگاه، همۀ معانی است: امانت‌ها در دین و امانت‌های مردم؛ چرا که خداوند در سخن خود عَرَضْنَا الأمانَةَ [احزاب: ۷۲] چنانکه وصف کردیم، برخی از مفاهیم امانت را خاص نکرده است». (تفسیر طبری: ۱۹/۲۰۴-۲۰۵).

قرطبی رحمه الله می‌گوید:

«بنابر قول صحیح که قول جمهور است، امانت شامل همهٔ وظایف دین می‌شود».

(تفسیر قرطبی: ۱۷ / ۲۴۴).

الله تعالی می‌فرماید:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ [مؤمنون: ۸] (و آنان که امانت‌ها و پیمان خویش را رعایت می‌کنند).

شیخِ مفسر محمد الامین شنقیطی رحمه الله می‌گوید:

«امانت شامل هر چیزی است که الله نزد تو به ودیعه نهاده و تو را به حفظ آن فرمان داده است؛ بنابراین حفظ اعضای بدن از هر آنچه الله را خشنود نمی‌کند و حفظ حقوق مردم که به تو سپرده شده، همگی در زمرهٔ امانت است...».

(أضواء البیان: ۵ / ۸۴۶).

معنای خاص امانت:

نصوص شریعت به طور متواتر بر فرمان به حفظ امانت و دوری از تضییع یا خیانت در آن تأکید کرده‌اند؛ این معنا در آثار اهل علم و فقه و میان عموم مردم کاملاً شناخته‌شده است و به احتمال زیاد، منظور پرسش‌گر نیز از سؤال دربارهٔ امانت همین باشد.

بر این اساس، مقصود از امانت: تمام حقوقی است که از دیگران بر عهدهٔ انسان است و حفظ و ادای آن‌ها واجب است.

این امانت آن سه شکل مشهور وجود دارد:

شکل اول: حقوق مالی ثبت شده از طریق قرارداد، مانند امانت‌ها، وام‌ها، اجاره‌ها و مانند آن‌ها؛ یا بدون قرارداد، مانند مال پیداشده (لقطه) و آنچه انسان از اموال گم‌شدهٔ مردم می‌یابد.

در «الموسوعة الفقهية الكويتية» (۶/۲۳۶) آمده است:

«با جست‌وجو و تتبع روشن شد که فقها امانت را در دو معنا به کار برده‌اند:

یکی از آن‌ها: به معنای چیزی که نزد فرد امین وجود دارد، و این در موارد زیر است:

الف ـ قراردادی که امانت در آن، هدف اصلی است، و آن «ودیعه» است؛ یعنی مالی که نزد شخصی گذاشته می‌شود تا آن را حفظ کند. پس ودیعه خاص‌تر از امانت است؛ به این صورت که هر ودیعه‌ای امانت است، اما هر امانتی ودیعه نیست.

ب ـ قراردادی که امانت در آن به صورت ضمنی است و اصل نیست، بلکه تبعی است؛ مانند اجاره، عاریه، مضاربه، وکالت، شرکت و رهن.

ج ـ آنچه بدون قرارداد است، مانند مال پیداشده، و مانند اینکه باد مال همسایه را به خانۀ کسی بیندازد؛ و این همان چیزی است که امانت‌های شرعی نامیده می‌شود».

صورت دوم: حفظ اسرار مردم.

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: «همانا از بزرگ‌ترین امانت‌ها نزد الله در روز قیامت آن است که مردی با همسرش خلوت کند و زن با او خلوت کند، سپس مرد راز او را فاش سازد». به روایت (مسلم: ۱۴۳۷).

و از جابر بن عبدالله روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: «هرگاه مردی سخنی بگوید و سپس [به اطراف] بنگرد، آن سخن امانت است». (ابوداوود: ۴۸۶۸ و ترمذی: ۱۹۵۹؛ او می‌گوید این حدیث حسن است).

آلبانی در «السلسلة الصحيحة» (۴۸۶۸) آن را صحیح دانسته است.

صورت سوم: مسئولیت‌ها و منصب‌های عمومی و خصوصی؛ این‌ها امانتی هستند که باید بر پایۀ حق و عدل انجام شوند. منصب حاکمیت، قضاوت، مدیریت در هر مؤسسه‌ای و مسئولیت خانواده، همگی امانت هستند.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: «هرگاه امانت ضایع شد، منتظر قیامت باش». پرسیدند: یا رسول الله! ضایع شدن آن چگونه است؟ فرمودند: «هرگاه کار به غیر اهل آن سپرده شد، منتظر قیامت باش». (بخاری: ۶۴۹۶).

از ابوذر روایت شده که گفت: به رسول الله ﷺ گفتم: آیا مرا به کاری نمی‌گماری؟ ایشان دستشان را بر شانۀ من زدند و فرمودند: «ای ابوذر! تو ضعیفی و این کار امانت است؛ و آن در روز قیامت مایۀ خواری و پشیمانی است، مگر برای کسی که آن را به حق بپذیرد و وظیفه‌ای را که در آن بر عهده دارد انجام دهد». (مسلم: ۱۸۲۵).

دوم:

واجب است که امانت‌های عمومی و خصوصی، به شیوۀ مطلوب شرعی حفظ و ادا شوند و ضایع کردن یا خیانت به آن‌ها حرام است.

الله تعالی می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ [انفال: ۲۷] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به الله و پیامبر خیانت نکنید و به امانت‌های خود نیز در حالی که می‌دانید خیانت نورزید).

و می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا [نساء: ۵۸] (همانا الله به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید).

خیانت در امانت یکی از نشانه‌های نفاق است.

از عبدالله بن عمرو روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «چهار خصلت است که در هر کس باشد، منافق خالص است و هر کس خصلتی از آن‌ها را داشته باشد، خصلتی از نفاق در اوست تا زمانی که آن را ترک کند: هرگاه امانتی به او سپرده شود خیانت کند، هرگاه سخن بگوید دروغ بگوید، هرگاه پیمان بندد پیمان‌شکنی کند و هرگاه دشمنی کند از حد بگذرد». (بخاری: ۳۴ و مسلم: ۵۸).

سوم:

خیانت در امانت، گناهی از گناهان و کبیره‌ای از کبائر است؛ و با وجود بزرگی این گناه، دروازۀ توبه باز است.

الله تعالی می‌فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ [زمر: ۵۳] (بگو: ای بندگان من که بر خود زیاده‌روی [و ستم] کرده‌اید، از رحمت الله ناامید نشوید؛ چرا که الله همۀ گناهان را می‌آمرزد؛ بی‌گمان او بسیار آمرزندۀ مهربان است).

و الله تعالی می‌فرماید:

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ [شوری: ۲۵] (و اوست کسی که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و آنچه را می‌کنید می‌داند).

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: «هر کس پیش از آنکه خورشید از مغربش طلوع کند توبه کند، الله توبۀ او را می‌پذیرد». (مسلم: ۲۷۰۳).

و توبهٔ صادقانه و نصوح: شتاب در رها کردن گناه، پشیمانی بر آن و عزم بر عدم بازگشت به آن است.

سپس شخص گناهکاری که امانتی را تضییع کرده به این امانت می‌نگرد؛ اگر امانتی که ضایع کرده است به حقوق الله مربوط باشد، افزون بر توبه و استغفار واجب است ببیند آیا تکلیف شرعی برای جبران این تضییع وجود دارد که انجامش واجب باشد یا خیر، مانند قضا یا کفاره.

به عنوان نمونه، کسی که امانت روزه را ضایع کرده، به این صورت که در رمضان عامدانه افطار کرده است، بر او واجب است همراه با توبه‌اش، روزهایی را که افطار کرده قضا کند؛ و اگر افطار او با آمیزش جنسی رخ داده باشد، واجب است کفاره بدهد، و دیگر امور شرع نیز به همین گونه است.

اما اگر امانتی که به آن خیانت کرده به حقوق مردم مربوط باشد، بر او واجب است همراه با آنچه دربارهٔ کار توبه‌اش گذشت، حق را به صاحبش بازگرداند یا از او طلب عفو و بخشش کند.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: «هر کس ستمی بر دوش دارد که به آبروی کسی یا چیزی مربوط می‌شود، باید همین امروز از او حلالیت بطلبد، پیش از آنکه دینار و درهمی در میان نباشد؛ اگر عمل شایسته‌ای داشته باشد، به اندازهٔ ستمش از آن برداشته می‌شود، و اگر نیکی‌هایی نداشته باشد، از بدی‌های صاحب حق برداشته شده و بر دوش او گذاشته می‌شود». (بخاری: ۲۴۴۹).

نووی رحمه الله می‌گوید:

«علما گفته‌اند: توبه از هر گناهی واجب است؛ پس اگر گناه میان بنده و الله تعالی باشد و به حق انسانی مربوط نشود، سه شرط دارد:

نخست: اینکه از آن گناه دست بکشد.

دوم: اینکه بر انجام آن پشیمان شود.

سوم: اینکه عزم کند هرگز به سوی آن بازنگردد.

اگر یکی از این سه شرط وجود نداشته باشد، توبه‌اش درست نیست.

و اگر گناه به انسانی مربوط باشد، شروط آن چهار چیز است: این سه شرط، و [علاوه بر آن] اینکه از حق صاحب آن پاک شود؛ پس اگر مال یا مانند آن باشد، آن را به او بازگرداند، و اگر حد قذف (تهمت ناموسی) و مانند آن باشد، او را بر [اجرای] آن تمکین کند یا طلب بخشش نماید، و اگر غیبت باشد، از او حلالیت بطلبد».

(رياض الصالحين: ١٤).

و الله أعلم.